



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

زمان چاپ: ۱۴۰۱/۰۹/۲۰

شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

هنر و معماری اسلامی و جایگاه آن در برنامه ریزی شهر

علیرضا مسافر^۱، افشین جهان پولاد^۲، رضا کاظمی^۳

- ۱- کارشناسی ارشد برنامه ریزی شهری دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیضا (mosafer4743@gmail.com)
- ۲- کارشناسی ارشد طراحی شهری دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیضا (afshinjanpoulad@gmail.com)
- ۳- کارشناسی ارشد برنامه ریزی شهری دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیضا (reza.kazemi.ir@gmail.com)

چکیده

شهرسازی اسلامی بیانگر تأثیر متقابل انسان، فرهنگ، روش زیست و محیط زندگی بر یکدیگر است و نقش مهمی در رسیدن به اهداف جامعه اسلامی از جمله هویت مندی، اعتلای فرهنگ و اخلاق شهروندان، تهیه الگوی بومی بر پایه آموزه‌های اسلامی و متناسب با بستر الگوی ایرانی اسلامی دارد.

پس از فراگیر شدن دین مبین اسلام و تأثیر آن بر فرهنگ و تمدن ساکنان شهرها، سکونت‌گاه‌ها و محیط‌های ساخته شده‌ای در سراسر سرزمین‌های اسلامی به منصفه ظهور رسید که امروزه از آن‌ها با عنوان «شهر و شهرسازی اسلامی» یاد می‌شود. شهر اسلامی دارای ویژگی‌های مختلفی در ابعاد کالبدی، اجتماعی، مدیریتی، سیاسی و فرهنگی است که در مطالعات و بررسی‌های مختلف به آن‌ها اشاره شده است. با ظهور مدرنیسم و فراگیر شدن آن در سراسر جهان به‌ویژه کشورهای اسلامی در حال توسعه، تقلید و توسعه برون‌زا در این شهرها موجب ایجاد ناپایداری در محیط‌های شهری این سرزمین‌ها شده است. با مطرح شدن نظریه توسعه پایدار در اواخر قرن بیستم و در پی آن شهرهای پایدار، جنبه‌های اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی و کالبدی منتج از آن‌ها، به‌طور جدی در معماری و شهرسازی معاصر مورد توجه قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: هنر - طراحی - معماری - برنامه ریزی شهری

مقدمه

واژه معماری اسلامی برای اولین بار توسط محققین اروپایی مطرح شد و برای معرفی طیف گسترده‌ای از آثار، که در قلمرو جهان اسلام از حدود قرن اول ه.ق تا به قبل از دنیای معاصر پا به عرصه ظهور گذاشته اند به کار گرفته شده است. از قرن بیستم میلادی نیز استعمال این واژه گسترده‌گی فراوانی یافت و افراد و صاحب نظران گوناگون نیز تعاریف مختلف و ویژگی‌های متفاوتی را برای آن برشمردند. اما متأسفانه در اکثر این تعاریف پیوند میان اسلام به عنوان یک دین و معماری مشخص نشده است و صرفاً سعی شده است با طرح ویژگی‌های ظاهری بناهای ساخته شده بعد از اسلام در خاورمیانه و سایر مناطق تحت



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

نفوذ اسلام به طرح یک سری از شاخص ها پرداخته شود که در اغلب موارد اتفاقاً ساخت و شکل یابی آنها با دستورات و شریعت اسلامی سازگاری ندارد. لذا در این مقاله سعی بر آن خواهد بود در ابتدا به تشریح تعاریف اصلی از معماری اسلامی توسط پژوهشگران پرداخته شود. همچنین در راستای دستیابی به تعریف معماری اسلامی لازم دیده شده است بر اساس قرآن و دیگر متون دینی اسلام تعریف شود تا روشن گردد که این واژه به عنوان یک صفت در کنار معماری چه انتظاراتی را ایجاد می کند. از دیگر سو چون معماری در خدمت انسان بوده و بدون آن فهم نمی شود و نه تنها به لحاظ منشا، بلکه به لحاظ هدف نیز انسانی است و انسان منشا، موضوع و هدف آن است و عمده تاثیر اسلام نیز در حوزه معماری بیشتر بر اساس برنامه هایی است که برای زندگی بشر دارد. تلاش شده است به واکاوی تعریف انسان از نگاه منابع دینی نیز پرداخته شود.

بیان مساله

شهر اسلامی با دریافت های ویژه اسلامی، نمی تواند تنها با مسجد و بازار یا شیوه هم آمیزی آن ها شناخته شود. اسلام، پشتیبان شهر و شهرنشینی است تا آنجا که پژوهشگران غربی چون «جوزف ارنست رنان» و «ویلیام مارسز» بیان کردند که اسلام از پایه، دینی شهری است. به این ترتیب نباید تنها بازتاب اسلام بر شهر را یک سویه نگریست؛ بلکه بازتاب شهر در گسترش و سازندگی شهرنشینی اسلامی از آغاز اسلام بارز است، نقش شهرها و پیوند کاروانیان میان آنها در گسترش اسلام غیرقابل انکار است.

از سوی دیگر معماری و شهرسازی دارای سرشت نمایشی است و گاهی این نکته در دوگانگی با آرمان هایی ساده زیستی و دادگری است؛ اما چنان چه به معماری اسلامی تجلی کالبد بخشیدن در زمان حاضر همراه با پاسخ گویی نیازهای انسان معاصر نگاه شود، آن گاه می توان از معماری و شهرسازی اسلامی معاصر سخن گفت. در واقع برای ایجاد محیط اسلامی نیاز به استخراج مبانی و اصولی از جهان بینی اسلامی هستیم، با جهان بینی مادی گرا نمی توان مشکلات ناشی از این جهان بینی را حل و محیط مناسبی ایجاد کرد. محیط و فرهنگ بر یکدیگر تاثیر متقابل دارند. محیط بر اساس باورها، آئین، جهان بینی و فرهنگ محیطی ساخته می شود. مختصات محیط تأثیری جدی بر رفتارها و در نتیجه تغییرات فرهنگی دارد. برخی از نمونه های آن، از بین رفتن تدریجی قبح برخی موضوعات و عادت جامعه به آن ها یا دگرگونی در رفتارهای جامعه است.

همان گونه که زیبایی، تناسب، تعادل و توازن محیط در آرامش، احساس امنیت و نبود فشارهای عصبی بر انسان ایفای نقش می کند، انواع زشتی ها، آلودگی های صوتی، نبود تعادل ها (در شکل و رنگ و اندازه)، دوری از طبیعت، تحت سلطه ساخته خویش به خصوص ماشین قرار گرفتن، زندگی در محیط هایی که پاسخ گوی نیاز نیست و مسائل محیطی نیز تأثیر جدی بر روان انسان، رفتارهای فردی و اجتماعی، ارزش های فرهنگی، محیط زیست، روابط اجتماعی و در یک کلام، فرهنگ او بر جای خواهد گذاشت. این تأثیرات که در ابتدا به صورت تغییرات رفتاری و فرهنگی به ظاهر ساده و نامحسوس و غیرقابل اندازه گیری بروز می کند، به مرور هویت جامعه را دگرگون می سازد و او را با بحران مواجه می کند این بحران هویتی بسیاری از ارزش های فرهنگی را به مقابله کشانده و آن ها را منسوخ و مطرود خواهد کرد.

مروری بر پیدایش واژه معماری اسلامی

شاید بتوان اولین حوزه مناقشه برانگیز در عرصه مطالعات معماری تاریخی سرزمین های اسلامی را انتخاب یک عنوان بر شمرد. تا آنجا که بعد از حضور اروپاییان در سرزمین های تحت نفوذ مسلمانان از جنوب اسپانیا، آفریقا، هند و... آنان با شهرها، ابنیه تاریخی و آثار فرهنگی مواجه شدند که برای آنها تازگی داشت و در ابتدا شروع به منتشر نمودن تصاویر و پلان ها و نقشه های آنها بدون تحلیل و ارزیابی دقیق نمودند. (Rbbat, 2012:1) در اوایل قرن نوزدهم این باور وجود داشت که هنر و



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

معماری مظهر و تجسم روح اعصار تاریخی گذشته است و تفاوت های بین نژادها و فرهنگ ها را منعکس می کند. اما دانش تاریخی هنر و معماری اسلامی در آن زمان هنوز ناقص و ابتدایی بود و عموماً اعتقاد بر این بود که در عربستان (محل ظهور دین اسلام) سنت های هنری بی اهمیت و بی مقدار بوده است. اما پس از گذشت سه قرن از توسعه اسلام که سنت های یونانی و ایرانی در هم آمیختند، معماری اسلامی به منزله سبکی متمایز پدیدار شده است. (ورنویت، ۱۳۸۵: ۳۶) در قرن نوزدهم اصطلاحات فراگیری چون اسلامی، شرقی، مراکشی، ساراکسون، محمدی و مسلمان، به جای عناوین جغرافیایی یا نژادی مثل هندی، ایرانی، ترکی، عربی که پیشتر به سبک های متمایز اطلاق می شد، قرار گرفت و در سده بیستم نیز سنت یک هنر اسلامی با توجه به حمایت یک منطقه یا مذهب از آن هنر، محل بررسی و بحث قرار گرفت. (بلر و دیگران ۱۳۸۱: ۷۹۴) همچنین رک هیلند براند، (۱۳۸۳) (Rbbat, 2012: 2) لذا از آن زمان تا کنون به فراوانی واژه های هنر اسلامی و معماری اسلامی در پژوهش های مربوط به مطالعه و واکاوی آثار تاریخی کشورهای مسلمان مورد استفاده قرار گرفته است و تعریف های گوناگونی برای آن مطرح شده است که از مهمترین آنها، تعریف گرابار است. که در این زمینه معتقد است صفت اسلامی که در دنیای تاریخ هنر متداول است، حاکی از دلالت این صفت بر فرهنگ و تمدنی است که اکثر مردم یا دست کم حاکم آن، متشرع به دین اسلام بوده است. بدین ترتیب هنر اسلامی نوعاً با هنر چینی، هنر اسپانیایی فرق می کند، زیرا هیچ سرزمینی یا ملتی که کاملاً اسلامی بوده باشد وجود نداشته است. در این صورت اگر هنری به اسم هنر اسلامی وجود داشته است عبارت خواهد بود از هنری که بر سنن قومی یا جغرافیایی استیلا یافته و آنها را دگرگون کرده است و یا هنری که نوعی همزیستی خاص میان شیوه های رفتار و بیان هنری پان اسلامیک و محلی پدید آورد. در هر صورت اصطلاح اسلامی شبیه به اصطلاحات گوتیک و باروک خواهد بود و بیانگر مقطع فرهنگی کم و بیش موفق در تاریخ بلند سنن بومی می باشد. (گرابار، ۱۳۷۹: ۲) وی همچنین باور دارد: هنر اسلامی به روکشی ویژه یا منشوری نورشکن و تغییر شکل دهنده می ماند که برخی از نیروها و سنت های محلی را گاه به طور موقت و گاه برای ابد تغییر شکل داده است. (گرابار، ۱۳۷۹: ۲)

هیلند براند نیز از فوائد استفاده از واژه معماری اسلامی چنین آورده است: فایده استفاده از این واژه در آن است که به یک نسبت هم اشاره به فرهنگ دارد- فرهنگی که به اندازه فرهنگ اروپای غربی مستقل است و هم اشاره به اعتقاد می کند. همین اصطلاح اسلامی به عنوان یک واژه توصیفی به میزان زیادی مفیدتر و گویا تر از واژه مسیحی است. (هیلند براند، ۱۳۸۳: ۹) اتینگهاوزن نیز در این زمینه چنین نوشته است: وقتی به هنر، تعبیر اسلامی اطلاق می شود به اقوامی اشاره می کند که زیر نظر حکام مسلمان می زیسته اند و یا در فرهنگ ها و جوامعی زندگی می کرده اند که به شدت متأثر از ویژگی های خاص حیات و اندیشه اسلامی بوده اند. اما تعبیر اسلامی بر خلاف تعبیر مسیحی، نه تنها به یک دین که به یک فرهنگ عمومی هم اطلاق می شود، زیرا در اسلام جدایی دین از دولت حتی به گونه نظری، معنا و مفهومی ندارد. افزون بر این، دین اسلام بر خلاف مسیحیت در آغاز به وسیله افرادی معدود گسترش نیافت بلکه با ایجاد دولتی عظیم که پیروانش با آن بیگانه بودند، توانست بر شمار پیروان خود بیفزاید و به تدریج خصیصه های فکری و هنری خویش را دامنه بخشد و پس از چند سده تبدیل به امپراتوری شکوفایی شود و از این رهگذر هنر و فلسفه و آموزه های اجتماعی خاص خود را پدید آورد. (اتینگهاوزن و دیگران، ۱۳۸۲: ۱) گروه نیز در مقاله ای پیرامون معماری اسلامی، پس از طرح چند سوال از قبیل اینکه آیا معماری اسلامی وجود دارد؟ آیا منظور ما معماری ساخته شده توسط مسلمانان برای خدمت به اسلام است؟ به طرح برخی ویژگی ها از معماری اسلامی می پردازد. وی درونگرایی را به عنوان یکی از شاخصه های اصلی معماری در نظر می گیرد و همچنین به این نکته اشاره می کند که به ندرت می توان بر اساس نمای بیرونی بناها در معماری اسلامی به کارکرد بناها پی



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

برداشان همچنین ذکر می کند بنای اسلامی به طور خودکار، عملکردی را که بر عهده دارد آشکار نمی کند و نیازی نیست که برای یک هدف خاص طراحی شده باشد. اما در بیشتر موارد یک طرح انتزاعی و کامل است که می تواند برای انواع مختلفی از عملکردها بدون هیچ مشکلی استفاده شود. (Grube, 1978: 10-12)

از نظر ربت برخی نیز آثار معماری اسلامی را به عنوان سنتی از گذشته نگاه می کردند که با شروع استعمار و دو پدیده همزمان آن، غرب زدگی و نوسازی، خلاقیت خود را متوقف کرده بود و درجه ای از ناسازگاری بین معماری به اصطلاح اسلامی و مدرنیسم به وجود آمد و هنگامی که معماری مدرن رسید، بلافاصله جای معماری سنتی را گرفت. بنابراین مطالعه آن به شدت مورد نیاز است. (Rbbat, 2012: 3)

یاسین نیز مشکل اصلی نظریه پردازی در عرصه معماری اسلامی را تحت تاثیر اندیشه های غربی می داند و افکار و کلیشه سازی های آنان را منجر به شکست پایه های معماری اسلامی مطرح می کند. (yasin, 2012: 52) وی همچنین معتقد است معماری اسلامی صرفاً استانداردها و فرم ها و الگوهای معین و اعمال شده در کشورهای اسلامی نیست. (yasin, 2012: 53) اما در این میان باید دومین موضوع بحث انگیز در حوزه اینگونه از معماری را در چارچوب زمانی آن در نظر گرفت. گرابار تاریخ آغاز شکل گیری معماری اسلامی را سال های بین ۶۳۴ م به بعد و همزمان با فتوحات اعراب مسلمان می داند. البته ایشان این تاریخ را در سرزمین های مختلف متفاوت می داند و باور دارد این تاریخ در هند و آفریقا دارای زمان های مختلفی است. هر چند که ایشان در ادامه این حقیقت را مطرح می کند که تسخیر شدن یک منطقه و قرارگیری به عنوان بخشی از امپراتوری اسلامی همواره بدان معنی نیست که تمام بیان هنری یا فرهنگ مادی آنها بتواند به طور مقتضی اسلامی پنداشته شود. (گرابار، ۱۳۷۹: ۸-۱۰) اعتقاد به این موضوع که معماری اسلامی زمان و مکان های مختلف را در بر می گیرد توسط یاسین نیز مطرح شده است (yasin, 2012: 53)

پترسون نیز در کتاب فرهنگ لغت معماری اسلامی محدوده وجود آثار اسلامی را خاورمیانه، شمال، شرق و غرب آفریقا، جنوب شرقی آسیا و هند بر می شمرد (Peterson, 1996: 1) اتینگهاوزن نیز معتقد است ظهور هنر اسلامی از دل دین و دولت جدید به تدریج و گام به گام با سنت هایی نبوده است که در مناطق گشوده شده وجود داشت، بلکه روند آن شتاب آمیز و همچون ظهور خود دین و دولت اسلامی، ناگهانی رخ داده است؛ زیرا همه آنچه بر شکل گیری و تزئین عمارات صدر اسلام تاثیر گذار است، خاص مسلمانان بوده و این تاثیرات در خدمت اهدافی قرار گرفت که در پیش از اسلام بدان شکل و صورت وجود نداشت. (اتینگهاوزن، ۱۳۸۲: ۳)

برخی چون ناصر ربت نیز این باور هستند که "معماری اسلامی" به معماری سرزمین وسیعی تبدیل شده و در بر گیرنده دوره های صعود و تسلط اسلامی از تقریباً اواخر قرن هفتم تا اوایل قرن هجدهم میلادی است. اما در کنار تعیین تاریخ و حوزه گسترش معماری به اصطلاح اسلامی، برخی به دنبال ارائه شاخصه ها و ویژگی های آن برآمدند. تا آنجا که برخی معتقد بودند هنر و معماری اسلامی به آسانی فقط با استفاده از روش بصری قابل شناسایی است (Rbbat, 2012: 3) وی همچنین به نقل از الگ گرابار آورده است که معماری اسلامی، معماری ساخته شده توسط مسلمانان، برای مسلمانان، یا در یک کشور اسلامی یا در مکان هایی است که مسلمانان فرصتی برای بیان فرهنگ خود دارند. بر این اساس پژوهشگران مطالعات معماری اسلامی امکان تحقیق بر سرزمین های وسیع، سنت های هنری گسترده و فراتر از تقسیمات مذهبی و فرهنگی در دوره های مختلف را دارند (Rbbat, 2012: 4)



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

اسلام و معماری:

اسلام به عنوان: «مجموعه ای از باورهای قلبی که برآمده از امور فطری و استدلال های عقلی و نقلی است و تکالیف دینی که از سوی خدای متعال بر پیامبر اسلام (ص) و به منظور تأمین سعادت دنیوی و اخروی بشر نازل شده است». این تکالیف تمامی اموری را که به نحوی در سعادت دنیا و آخرت انسان نقش دارد در بر می گیرد (مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ۱۰-۱۱) لذا معماری نیز از حوزه هایی است که باید از این منظر مورد توجه قرار گیرد و با توجه به آیه ۸۹ سوره نحل و آیه ۷۱ سوره اسراء تاکید شده است که اسلام برای تمامی بخش های زندگی بشر و ادوار مختلف آن برنامه ای مشخص دارد که پیروی از آنها سعادت دنیا و آخرت را در پی دارد. لذا در بررسی آیات قرآن شاهدیم مبحث معماری و بویژه مسکن نیز در برخی از آیات مورد توجه قرار گرفته و فرامینی در این زمینه صادر شده است. پس از بررسی چنین آیاتی از قرآن متوجه خواهیم شد که نقشه و شکل خاصی برای ساخت فضاهای معماری و بویژه مسکن در نظر گرفته نشده است بلکه اصول و قواعد کلی مطرح شده است که می تواند بر شکل و جایگاه معماری تاثیر گذار باشد. لذا در ادامه آباتی که به بحث معماری ارتباط پیدا می کنند، مطرح می گردند.

مکان مناسب: در آیه ۹۳ سوره یونس در کنار تاکید بر برخورداری از مسکن مناسب به عنوان یکی از نعمت های خداوندی و مورد پسند ادیان الهی، به مکان و جایگاه درست برای محل زیست اشاره شده است. همچنین در سوره عنکبوت آیه ۵۶ نیز به اهمیت محل سکونت اشاره شده است. در سوره المومنون آیه ۵۰ نیز خداوند موقعیت قرار گیری محل سکونت را از لحاظ دسترسی به نیازهای اساسی بویژه از نظر آرامش و امنیت و آب مورد توجه قرار می دهد. در سوره نحل آیه ۸۰ نیز مجدد به بحث آرامش در فضای مسکونی اشاره شده است.

وسعت: از دیگر مباحثی که در منابع اسلامی مورد توجه قرار گرفته است، ابعاد فضای مسکونی است که برای مثال رسول خدا (ص) در احادیثی در کنار طلب افزایش روزی، خواهان وسعت منزل از خداوند می شود (نهج الفصاحه: ۲۴۸) همچنین از ایشان نقل شده است که سه چیز را در دنیا مایه سعادت مرد مسلمان دانسته اند، که از جمله آنها به خانه وسیع اشاره شده است. (نهج الفصاحه: ۴۱۵)

دوری از تفاخر: البته باید توجه داشت که وسعت منزل به هیچ وجه به معنای داشتن فضای مسکونی بزرگ در جهت تکبر و فخر فروشی نیست تا آنجا که در زمینه پرهیز از فخر فروشی خداوند کریم در سوره لقمان آیه ۱۸ و سوره التاکثر آیه ۲۱ به شدت تفاخر را مورد مذمت قرار داده است.

همچنین در سوره حدید آیه ۲۰ نیز خداوند زندگی دنیا را در حقیقت، بازی و سرگرمی ذکر کرده اند و آرایش و فخر فروشی به یکدیگر و فزون جویی در اموال و فرزندان را سبب عذابی سخت در آخرت بر شمرده اند. همچنین در حدیثی از پیامبر نیز برپایی ساختمان به منظور خودنمایی و فخر فروشی مورد نکوهش قرار گرفته است. (بحار الانوار ج ۷۳: ۹۵)

عدم اسراف: از دیگر آیات قرآن که به صورت غیر مستقیم به مقوله ی معماری و مسکن ارتباط دارد عدم زیاده روی و اسراف کردن است در سوره الاسراء آیه ۲۷، یونس آیه ۸۳، سوره الانعام آیه ۳۱، سوره شعرا آیه ۱۵۲ و ۱۵۱ و سوره غافر آیه ۴۳ خداوند انسان را از افراط و اسراف نهی کرده است. همچنین در سوره شعرا آیه ۱۲۸ می فرمایند: آیا بر هر تپه ای بنایی می سازید که [در آن] دست به بیهوده کاری زنید؟



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

البته همواره بزرگ بودن منزل و فضای مسکونی ناپسند نبوده بلکه نیت از ساخت و ساز و میزان و چگونگی استفاده از آن در این زمینه بسیار تاثیرگذار است تا آنجا که مولی علی(ع) در نهج البلاغه میهمانی گرفتن و دید و بازدید از اقوام و پرداخت حقی که خداوند بر گردن انسان نهاده است را از شرایطی می داند که داشتن خانه وسیع و بزرگ مورد نکوهش قرار نگیرد. (نهج البلاغه، ۲۱۶) همچنین رسول خدا نیز اضافه نبودن خانه از حد نیاز ساکنین را مورد تاکید قرار داده اند. (بحارالانوار ج ۷۳: ۹۵)

امنیت: از نکات دیگری که در قرآن بدان اشاره شده است توجه به بحث امنیت بصری و حفظ حریم ساکنین در فضاهای معماری است تا آنجا که در سوره نور آیات ۲۷ تا ۲۹ به این حوزه اشاره شده است. همچنین خداوند در سوره نور آیه ۳۶ می فرماید: (این چراغ پر فروغ) در خانه هائی قرار دارد که خداوند اذن فرموده دیوارهای آنرا بالا برند (تا از دستبرد شیاطین و هوسبازان در امان باشد) خانه هائی که نام خدا در آن برده شود و صبح و شام در آن تسبیح گویند. همچنین در دو حدیث از پیامبر مبحث حرمت امنیت ساکنین خانه از نگاه بیرونی مورد توجه قرار گرفته است. رک (وسائل الشیعه، ج ۱۴، ۱۴۱) (محدثی، ۱۰: ۱۳۷۹).

تزئین: بحث تزئین و زیباسازی نیز از نکاتی است که قرآن در آیه های ۳۲ سوره اعراف و ۱۴ سوره نحل به آنها اشاره نموده است. همچنین پیامبر اکرم(ص) می فرماید: لباس خوب بپوشید و خانه هایتان را آباد کنید تا در میان مردم مانند خال رخساره باشید. (میزان الحکمه ج ۲: ۱۰۳)

استحکام: از مباحث دیگری که می توان در حوزه معماری از نگاه قرآن مورد توجه قرار داد بحث استحکام است که آن را می توان در سوره اعراف آیه ۷۴ دید. که خداوند به بحث مسکن و ساختن منزل های محکم اشاره می کنند. البته باید گفت محکم کاری و بی عیب سازی از نکاتی است که مورد توجه پیامبر اکرم ص نیز بوده است تا آنجا که ایشان فرموده اند: خداوند تعالی دوست دارد که هرگاه فردی از شما کاری کند، آن را محکم (و بی عیب) انجام دهد (میزان الحکمه ج ۹: ۴۰۷۷).

نیت: از نکات دیگری که در بحث فضاها مورد اهمیت و توجه است. نیت و تفکر افراد و بنیانگذاران است. آنچنان که در تفسیر آیه ۱۰۸ سوره توبه آمده است: ارزش هر چیز وابسته به اهداف و انگیزه و نیت بنیانگذاران آن دارد. ارزش مکان ها، بسته به افرادی است که به آنجا رفت و آمد می کنند. (تفسیر قرائتی، ۱۳۸۷: ۵۰۵) همچنین مولا علی فرموده اند: از اقامت در مراکز غفلت و ستمکاری و آنجا که مددکاران بر طاعت خدا اندک اند بپرهیز. (نهج البلاغه، نامه ۶۹) همچنین در تفسیر آیه ۱۲۷ سوره بقره آورده اند: کار مهم نیست، قبول شدن آن اهمیت دارد. حتی اگر کعبه بسازیم، ولی مورد قبول خدا قرار نگیرد، ارزش ندارد. (رک تفسیر قرائتی، ۱۳۸۷)

جایگاه ممتاز معماری اسلامی در هنر جهان

معماری اسلامی برگرفته از زبان قرآن است و عمق و غنای تمدن اسلام را با بهره گیری از روح معنویت نشان می دهد. این امر به گونه ای است که اعتقاد به توحید و ایمان به تعالیم اسلام به عنوان اندیشه زیبایی شناسی دین اسلام در معماری اسلامی تجلی می یابد.

مؤلفه های به جا مانده از پیش از ظهور اسلام نشان می دهد از زمانی که انسان هنر را شناخت یعنی از هزاران سال پیش به طراحی رنگی از حیواناتی که منقرض شدند به منظور نشان دادن واقعیتها و مهارتهای خود بر روی دیوارها پرداخت. در واقع هنر پیش از زبان و ادبیات در زندگی انسان وسیله ای برای برقراری ارتباط او به شمار می رفت.

هنگامی که تمدن پا به عرصه وجود گذاشت، خیزشی جدی در ارائه مهارتهای موجود ایجاد شد که اینک در کشورهای اسلامی و غیراسلامی بخوبی قابل رؤیت است که برخی از آنها به هزاره هفتم قبل از میلاد مسیح (ع) باز می گردد.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

اما آنچه که بیشتر از دیگر هنرها توجه انسان را به خود معطوف داشت، معماری و هنرهای تجسمی بود که انسان بر روی اشیاء یا ساختمانهایی که می ساخت از هنر خود بهره مند می شد و آن را به نمایش می گذاشت. معماری هنری بود که به غیر از تنوعات رنگی، هویت و فرهنگ را نشان می داد؛ به گونه ای که تجلی معماری در تصاویر یا کنده کاریها بخوبی نمایان است. در قصرهای ساخته شده در زمان امویان کنده کاریهای رنگی و غیررنگی با عکسهای قدیمی بسیاری داشت. دستنوشته ها، ظروف و یا اثاثیه هایی که به علت تنوعات رنگی و نوع کار بر روی آنها از اهمیت به سزایی برخوردارند، نشانگر ارتباط و علاقه انسان با هنر است.

بنابراین باید میان معماری و هنر معماری تفاوت قائل شد که دو مفهوم کاملا مجزا هستند. در معماری منظور ساخت و ساز در راستای انجام وظیفه اجتماعی و خدمت رسانی است. مانند ساختن اماکن مسکونی، عبادتی و یا تحصیلی. اما در هنر معماری تأکید بر استفاده از شاهکارهای هنری و دستاوردهای تزئینی بر روی دیوارها، سقف، ستونها، پنجره ها و درهاست و حتی باغها و حوض ها نیز به گونه ای با هنر معماری ترکیب می شوند تا تأثیرگذاری بنا بر بیننده بیشتر شود.

هنر معماری اسلامی به واسطه وجود معماران زبردست که فعالیتهای ابداعی انجام می دادند با رعایت یکسری اصول خاص بسط و گسترش یافت که این هنر بر درایت و نوع نگاه دینی شخص صحنه می گذاشت؛ در واقع این نوع معماری بر نظرات، تجارب و ابتکاراتی متکی بود که معمار از آن بهره می گرفت. این مسئله منجر به تنوع در معماری اسلامی شد و با توجه به اینکه این معماری از زبان قرآن نشأت می گرفت، عمق و غنای تمدن اسلام را با بهره گیری از روح معنویت نشان می داد.

با وجود تفاوت میان معماری و هنر معماری، معماری اسلامی دارای شاخصه های متفاوتی می شود که آن را از سبک و سیاقهای دیگر بناها جدا می سازد. این مؤلفه ها شامل هندسه علمی و هنرهای ابداعی بر گرفته از اندیشه های معنوی شخص می شود. ابداعی که معمار از آن بهره مند می شد، شیوه ای است که در هنر معماری پیش از این سابقه نداشته است و این به علت ویژگیهای دینی در اندیشه زیبایی شناسی اسلام است که در هنر معماری اسلامی متجلی شده است.

ارتباط معماری با دین اسلام نشانه اعتقاد به توحید، ایمان و عمل به آموزه ها و تعالیم دین اسلام است. اندیشه توحیدی مبنی بر اعتقاد به خدای واحد سبکی بود که در اکثر هنرهای اسلامی به عنوان موضوعی بکر به کار می رفت. معماری اسلامی هنری بود که نه تنها در اماکن دینی چون مساجد مورد استفاده قرار می گرفت، بلکه از آن در مدارس، ضریحها و قصرها و حتی خانه ها و حمامها نیز بهره گرفته می شد.

مقیاسهای ریاضیات و هندسه در معماری اسلامی بسیار مورد توجه بود. دورانی که معماری اسلامی در اوج رشد و شکوفایی خود بود، ارتباط معنوی شایسته ای با نیازهای انسان، شرایط زندگی و اجتماعی زمان خود برقرار می کرد. بنابراین می توان گفت که معماری اسلامی با روح تمدن اسلام تطبیق داشت.

هویت معماری اسلامی در همه جهان با وجود تنوعات زبانی و تمدنی یکسان است و این تنوعات از چین تا اقیانوس اطلس با وجود تعددات فرهنگها دیده می شود. اگر چه رومیها و دیگر اقوام نیز دارای معماری بودند، اما معماری اسلامی ویژگی خاص خود را داشت. از دیگر ویژگیهای هنر معماری اسلامی تزئینات است که مسجد النبوی به عنوان اولین بنای اسلامی دارای معماری اسلامی دارای این ویژگی بوده است. اگر چه در زمان نبی اکرم (ص) سقف آن از شاخه های نخل بود و با اتکا به عناصر تزئینی ساخته نشد، اما در زمان ولید بن عبدالملک معماری اسلام با استفاده از موزاییکهایی با رنگهای بسیار زیبا و متنوع معنوی در آن به کار رفت. در هنر معماری اسلامی بیشتر از آیات قرآن به عنوان برجسته ترین ابداعات هنر اسلامی مورد استفاده قرار می گرفت که نوشته هایی از آیات قرآن بر روی سقفها، دیوارها و یا ستونها استفاده و به شکل خاص تزئین می شد



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

. از برجسته ترین و قدیمی ترین خطوط زیبایی که با هنر معماری اسلامی تزئین شده داخل قبه الصخره است که آیات قرآن با خط کوفی نوشته و با موزاییک تزئین شده است.

اصالت و هویت ملموس معماری اسلامی

میراث معماری اسلامی ثروتی تمدنی به شمار می رود که با توجه به شرایط عصر و تحولات تمدنی ویژگیهای خاص خود را بر اساس نگاه و دید معنوی و دینی خود حفظ کرده است. از آنجایی که هنر معماری نشانگر هویت فرهنگی و تمدنی به همراه ویژگیهای ابداعی و زیبایی به شمار می رود، باید به اصالت معماری اسلامی را در دین اسلام جست . معماری اسلامی تا حدی مورد توجه بود که با ظهور اسلام و علاقه مسلمانان به ساخت مسجد و استقبال آنها، تلاش کردند تا از این هنر نه تنها در بنای مساجد بلکه در کاخها، کوخها، ساختمانهای شهری، حمام و دیگر بناها از آن بهره برند. بنابراین معماری اسلامی طی زمان کمی توسعه و رشد چشمگیری یافت و اینک با گذشت قرنها و ایجاد معماری مدرن غرب بازهم معماری اصیل اسلامی جایگاه زیبایی و ابداعی خود را حفظ کرده و نشانه های تمدن و فرهنگ اسلامی در آن به صورت قابل ملاحظه ای نمایان است .

اگر چه نو آوری در معماری غربی بسیار زیاد است و شهرها از طرحهای مدرن استقبال زیادی کردند اما معماری مدرن از زبان معماری اصیل جدا شده و بی هویت و بدون زبان تاریخی پیش رفت که این امر منجر شد تا انسان به معماری خاصی رجوع کند که نه تنها هویت داشته باشد بلکه با محیط تاریخی و اجتماعی بشر منسجم باشد و با داشتن زبانی شیوا گذرگاهی برای هویت بشری را ایجاد کند.

این امر زمینه ای فراهم کرد تا اصالت معماری اسلامی و آنچه که پس از نوآوری ایجاد شده بود، حرکتی جدی را آغاز کند و زمینه ای برای دیدار استادان، دانشجویان و محققان معماری اسلامی را فراهم کرد تا به فرهنگ و تمدن اسلام بیشتر توجه شود. بنابراین در این راستا آنچه که مهم به نظر می رسد، اطلاع رسانی تاریخی درباره هنر معماری اسلامی است که متأسفانه غربیها بیشتر به تاریخ معماری مدرن پرداخته اند تا مسلمانان به تاریخ معماری اسلامی. از سوی دیگر ترجمه و تألیف کتابهایی در ارتباط با معماری اسلامی به زبانهای مختلف نه تنها زمینه ای برای شکوفایی معماری اسلامی را فراهم می کند بلکه بستری برای معرفی معماری اسلامی در جهان ایجاد می کند.

هر چند گروهی از مسلمانان به تاریخ معماری اسلامی و یا اساس زیبایی و فلسفه معماری و هنر اسلامی پرداخته اند، اما باید این گرایش بیش از پیش شود .

تصویرسازی معنوی در معماری اسلامی

هنگامی که خداوند انسان را به بهترین وجه خلق کرد، به او عقل و علم داد تا به واسطه آن راز هستی را کشف کند و این هدف تمدن به شمار می رود، یعنی تمدن در پی کشف مستمر اسرار هستی است و رابطه انسان با هستی رابطه ای معرفتی است که از ارتباط انسان با خدا که ارتباط دوستی و عبادی است، ناشی می شود. اندیشه اسلامی در همه هنرهای اسلامی اعم از معماری و تصویرسازی تحرک و جنبشی تازه به وجود آورد که علم زیبایی شناسی اسلامی در ذیل تفکر هنری اسلامی تکامل یافت.

می توان گفت که هدف هنرمند خلق نیست، بلکه ابداع و نو آوری است که از این راه نمی خواهد خدا را به تصویر کشد و یا تشبیه کند که این کار برای مردم بدترین عذابها را در پی دارد، بلکه سعی دارد تا رویکردی از معنویت را به نمایش گذارد که این مسئله در دوره های مختلف اسلامی از زمان خلفای راشدین توسعه و ترویج یافت و در قصرهای پادشاهان و دیوارها نمادی



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

از حیوانات و پرندگان به تصویر در آمده بود و اینک باقی مانده آنها در موزه های مختلف دیده می شود . هنگامی که هنر اسلامی پدید آمد تصویرسازی در عمارتهای دینی نیز جلوه گری کرد و در اکثر بناهای اسلامی و دینی هنرمندان مسلمان با هدف قرب الهی به تصویر سازی در بخشهای مختلف این اماکن اعم از قبه ها و گلدسته ها پرداختند . در این تصویرسازی هنرمند از هر تصویری که عبادت، وحدانیت، جلوه های دینی را نشان دهد، بهره می گرفت و مناظری از گیاهان، درختان و شکوفه های بهشتی را به تصویر در می آورد. حتی در خانه ها نیز طرحی از بهشت موعود که با درختان، شکوفه ها و فضای کلی بهشت تصویر سازی می شد.

معماری اسلامی؛ منعکس کننده ارزشهای تاریخی و تمدنی مسلمانان

کاربرد هنر اسلامی در ساختمانها و بناها، مسئله ای نبود که شریعت اسلام بر آن تأکید کند و شیوه ای مرسوم در راستای تربیت دینی به شمار نمی رفت، بلکه هنرمندان مسلمان به منظور دفاع از عقاید خود و حقانیت کلام خدا به ارائه تصاویری از احادیث دینی و آیات قرآنی و سیره نبوی اقدام کردند که با هدف دینی انجام می شد. تصویرسازی در هنرهای اسلامی بویژه معماری اسلامی بر دیوارهای کاخها و یا در کناره صفحات دستنوشته ها به صورتهای مختلف در راستای به خدمت گیری ارزشهای مسلمانان و تاریخ و تمدن آنها بود .

اگر چه اسلام از همان آغاز به تزئین ساختمانها و کناره لباسها با استفاده از هنر تأکید کرد، اما هدف تمدن اسلام و هنرهای مسلمانان در ورای این ابداعات فرصتی مغتنم برای ارتقاء فرهنگ دینی، تاریخی و اجتماعی آنها بوده است و فرصتی دیگر برای معرفی واقعیتهای دین به شمار می رود تا رسالت تمدن را با تأثیرگذاری اسلام بر فرهنگ ملتیهایی که آن را محکوم می کردند، نشان دهند .

این در حالی است که هنرهای اسلامی و با توجه به بناهای اسلامی شرایطی برای ارائه ارزشهای اسلام را فراهم کرد؛ به طور مثال کعبه اولین عمارتی که اندیشه توحیدی را ارائه کرد، حج گزاردن میلیونها مسلمان در اطراف آن دلیل به خدمت گیری ارزشهای انسانی در اسلام است که پس از گذشت قرنها از ساخت آن، همچنان مکانی برای وحدت مسلمانان به شمار می رود و جایگاه مقدسی است که خداوند و مسلمانان در طول تاریخ آن را گرامی داشته اند .

با رشد هنر معماری اسلامی، ساخت مساجد بزرگ در مرکز شهر به منظور تمرکز بر فرهنگ دینی و تمدنی اسلام در اولویت امور قرار گرفت. بنابراین ساخت اولین مسجد با معماری اسلامی زیبا خیزشی برای دعوت به اسلام بود تا علاوه بر اینکه مسلمانان در آن به اقامه نماز بپردازند، گردهم آمده و امور سیاسی و قضایی در آنجا انجام دهند. از سوی دیگر معماری اسلامی به ویژه در مساجد دلیلی بر ایمان به خدا و تقوا بود که خداوند اجازه داد آنرا بالاتر از خانه ها بسازند .

پیش از برای مساجد وظیفه دینی و ملی تعریف شده بود که امور مختلفی حتی اعلام ازدواج و برنامه های سیاسی در راستای گردهم آمدن مسلمانان در آن انجام می شد، بنابراین مسجد به عنوان بنایی اسلامی و دینی باید از نظر معماری نیز مورد توجه قرار می گرفت که بهترین معماران و هنرمندان اسلامی با تأکید بر ارزشهای دینی مسجد را بیشتر از ساختمانهای دیگر مورد عنایت و ابتکارات غنی هنر معماری اسلامی قرار می دادند، به گونه ای که هر بخش مسجد با داشتن معماری خاص جلوه و نمایی به این مکان دینی داده است .

بحث و نتیجه گیری

همانگونه که ذکر شد تا کنون تعاریف مختلفی از معماری اسلامی ارائه شده است و ویژگی های گوناگونی نیز برای آن در نظر گرفته اند که به برخی از معروف ترین آنها در بخش نخست اشاره شد، در بسیاری از آنها بناهای ساخته شده بعد از اسلام



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

در حوزه قلمرو جوامع مسلمان را به عنوان معماری اسلامی معرفی نموده اند و یا به طرح تعریف هایی پرداخته شده است که تا حد بسیاری انتزاعی است و بر اساس آن نمی توان تفاوتی بین هنرها و معماری اسلامی و غیر اسلامی قائل شد. نقص عمده دیگر آنها را باید در عدم توجه به صفت اسلامی دانست. زیرا زمانی که ما کلمه اسلام را به واژه ای دیگر نسبت می دهیم، باید در گام اول نگاه اسلام به آن مقوله مشخص گردد و بر اساس تعالیم، تفکرات و احکام دین اسلام این نسبت را برقرار نماییم.

نگارنده اعتقاد دارد بسیاری از آثاری که بعد از اسلام ساخته شده اند را نمی توان به عنوان معماری اسلامی مطرح نمود هر چند که ممکن است در برخی از آنها فرهنگ اسلامی نفوذ کرده باشد. لذا پیشنهاد می شود که سه واژه گوناگون برای نامگذاری طیف عظیمی از ابنیه ساخته شده بعد از اسلام در نظر گرفته شود. عنوان اول معماری در دوران اسلامی، عنوان دوم معماری مسلمین و عنوان سوم معماری اسلامی است.

عنوان اول معماری دوران اسلامی که اغلب آثار تاریخی ساخته شده در جهان اسلام و تحت قلمرو حکومت های مسلمان را در بر می گیرد. این دسته از آثار، معماری و تزئینات وابسته به آن را که بعد از ظهور اسلام در جایی جای جهان اسلام به وجود آمده است را شامل می شود و ممکن است در شکل یابی آنها فرهنگ ها و آثار تمدنی قبل از اسلام نیز نقش داشته باشد و یا بانی و معماران نیز غیر مسلمان بوده باشند. این دسته از آثار تاثیر باورها و فرهنگ های اسلامی را در خود دارند هر چند ممکن است که اهداف ساخت و بنیانگذاری آنها با تعالیم اسلامی هم سو نباشد و یا حتی در تعارض قرار بگیرد. از جمله چنین آثار معماری می توان به تعداد چشمگیری از کاخ ها اشاره نمود (کاخ های اموی همچون خرابه المفجر، قصر الحیر شرقی و غربی) که در پژوهش های عرصه هنر و تمدن اسلامی به عنوان معماری اسلامی مطرح شده اند، در حالی که در واقع تعالیم اسلامی با ساخت چنین ابنیه ای که نشانگر تفاخر و خود بزرگ بینی است و به شدت در بخش های مختلف آن اسراف صورت پذیرفته است و نیست از ساخت آنها نیز بهبود کیفیت جامعه اسلامی و کمک به بهبود شرایط زندگی و سعادت دنیوی و اخروی مسلمانان نیست، مخالفت است.

گروه دیگر از آثار را باید معماری مسلمین نامید اینگونه از آثار نیز در گستره جهان اسلام و در دل شهرها و روستاهای کشورهای اسلامی ساخته شده اند و اغلب آنها دارای کارکردها و کاربری هایی هستند که جنبه دینی و یا عام المنفعه دارند و با زندگی مردم و رفع احتیاجات آنها رابطه نزدیک دارد و لذا تاثیر ارزش ها و باورهای اسلامی بسیار بیشتر از دسته ی قبل در آنها دیده می شود. از جمله آنها می توان به مساجد اشاره نمود. این شکل از آثار نیز تا حد زیادی متأثر از شرایط اقلیمی، فرهنگی و تمدنی سرزمینی هستند که اثر معماری در آنجا ساخته شده است و ممکن است اینگونه از معماری دارای اشکال و فرم های مختلف باشند اما کارکردهای برگرفته از شریعت اسلامی و همچنین بودن تحت لوای فرهنگ اسلامی سبب مشابهت هایی در ظاهر و تزئینات آنها در کل جهان اسلام شده است.

دسته سوم تحت عنوان معماری اسلامی مطرح می شوند و برای اینکه بتوان به اینگونه از آثار صفت اسلامی را نسبت داد باید به سه واژه اسلام، انسان و معماری از نظر قرآن کریم بدان نگریست. همانگونه که بحث شد اسلام به معنای تسلیم شدن و سرسپردگی در برابر خداوند و اوامر اوست که توسط پیامبران الهی به مردم رسانده می شود و هدف از خلقت انسان علم و دانش و «امتحان و آزمایش و هدف غایی «عبودیت» است و دو هدف دیگر در مسیر «عبودیت» قرار می گیرند و «رحمت و اسعه خداوند» نتیجه این عبودیت است. لذا معماری اسلامی باید از لحاظ مفهوم و کارکرد با تعریف اسلام از منظر قرآن سازگاری داشته باشد و در آن بتوان تسلیم شدن و سرسپردگی در برابر خدا و اوامر او را دید و لذا هدف و غایت آن نیز با توجه



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

به اینکه برای انسان و در خدمت انسان است فراهم نمودن بستر برای عبودیت انسان باشد و در کنار اینکه بشر را در راستای سعادت و تکامل و عبادت الهی یاری می کنند، دارای کارکردهای خدامحورانه باشد. اینگونه از آثار با هدف و انگیزه قرب الهی و در راستای پاسداشت دستورات اسلامی به وجود خواهند آمد و همچنین ارزش این ابنیه وابسته به افرادی خواهد بود که به آنجا رفت و آمد می کنند. اینگونه آثار که در اصل بر اساس تعالیم قرآنی، مستحکم و ایمن و به دور از تفاخر ساخته شده اند و قرار است نیازهای مومنین را برای داشتن یک زندگی سعادت‌مند و ایمن فراهم کنند و جوابگوی نیاز مادی و معنوی انسان مسلمان در دنیای روز نیز باشد.

همانگونه که در بحث اسلام و معماری آمد در تعالیم اسلامی بسیار محدود پیرامون معماری به صورت مستقیم بحث شده است و بیشتر مفاهیمی مد نظر بوده اند که به طور غیر مستقیم بر ساخت و ساز تاثیر می گذارد و لذا معماری مد نظر اسلام معماری در خدمت زندگی انسان مسلمان است. لذا این ویژگی سبب می شود دارای اشکال و صورت های مختلفی باشد و در ساخت آنها از مواد و مصالح مختلف و تکنیک های گوناگون متناسب با هر دوره از زمان استفاده شود. تا آنجا که قرآن به انسان یادآوری می کند که باورهای گذشتگان را تا زمانی که با معیار عقلی نسنجیده شده نپذیرید و از سنت گرایی بی مورد پرهیز کنید. (رک سوره بقره آیه ۱۷۰) لذا این اعتقاد که در توسط برخی از محققین بویژه اروپایی به وجود آمده است که معماری اسلامی شکل مشخصی دارد قابل قبول نیست. هر چند که باید این نکته را ذکر کرد چون فرهنگ به شدت می تواند بر معماری و کارکردهای آن تاثیر گذار باشد، لذا فرهنگ خاص اسلامی نیز فرم ها و کارکردهای خاص خود را به وجود می آورد و همین نکته است که سبب تفاوت معماری اسلامی با دیگر گونه از ابنیه می گردد هر چند که مطابق با تعالیم اسلامی و بحث اجتهاد شاهد هستیم که با تغییر زمان تغییرات عمده ای نیز در سبک زندگی و فرهنگ بشر نیز به وجود خواهد آمد و لذا معماری اسلامی، معماری پویا و جلو رونده می باشد و همواره یک شکل را دنبال نمی کند.

حال باید گفت آغاز معماری اسلامی را باید همزمان با بعثت پیامبر دانست و همچنین نمی توان پایانی نیز برای آن بر خلاف تصور پژوهشگران اروپایی که دوران قبل از تاریخ معاصر را دوران افول معماری اسلامی می دانند بر شمرد و معماری اسلامی می تواند فارغ از زمان و مکان همواره تا ابد ظهور پیدا کند.

منابع

قران کریم

- ۱) اتینگهاورن، ریچارد، گرابار، الگ، (۱۳۸۲)، هنر و معماری اسلامی ۱، ترجمه یعقوب آژند، انتشارت فرهنگستان هنر، تهران
- ۲) بلر، شیلا، بلوم، جانانان، (۱۳۸۱)، هنر معماری اسلامی ۲، ترجمه یعقوب آژند، انتشارات سمت، تهران
- ۳) بمانیان، محمد رضا و دیگران، (۱۳۹۲)، ((تاثیر اصول فقهی مرتبط با حقوق شهروندی بر پایه عدل در طراحی مسکن(نمونه مورد: سه مورد از خانه های ایرانی-اسلامی))، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره ۱۲،
- ۴) پاینده، ابو القاسم، (۱۳۸۲)، نهج الفصاحه (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله)، تهران.
- ۵) حائری، محمدرضا، (۱۳۸۸)، نقش فضا در معماری ایران، هفت گفتار درباره زبان و توان معماری، دفتر پژوهش های فرهنگی، تهران

- ۶) حر عاملی، وسائل الشیعه، (۱۴۰۹)، مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام، چاپ اول، قم
- ۷) سعدوندی، مهدی، مهوش، محمد، (۱۳۹۴)، ((آسیب شناسی شاخص سازی مفاهیم اسلامی در معماری اسلامی))، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره ۲۱،



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

- ۸) طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۴۱۷) ق، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۸، قم، جامعه مدرسین.
- ۹) علامه محمد بن باقر بن محمد تقی مجلسی، بحارلأنوار، انتشارات اسلامی، ناشر دیجیتال، مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان
- ۱۰) فلامکی، محمد منصور، (۱۳۸۱)، ریشه ها و گرایش های نظری معماری، نشر فضا، تهران.
- ۱۱) فیشر، ساول، (۱۳۹۸)، فلسفه معماری، مدخل فلسفه معماری دانشنامه فلسفه استنفورد، ترجمه مهدی محمدی و حسین رهنما، انتشارات فکر نو، تهران.
- ۱۲) کورت گروتز، (۱۳۸۳)، زیبایی شناسی در معماری، ترجمه جهان‌شاه پاکزاد و عبدالرضا همایون دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- ۱۳) گرابار، الگ، (۱۳۷۹)، شکل‌گیری هنر اسلامی، ترجمه مهرداد وحدتی دانشمند، انتشارات نشر دانشگاهی، تهران.
- ۱۴) محدثی، جواد، (۱۳۷۹)، اخلاق معاشرت، حوزه علمیه قم دفتر تبلیغات اسلامی.
- ۱۵) محمدی ری شهری، محمد، (۱۳۸۶)، میزان الحکمه، ترجمه حمیدرضا شیخی، موسسه علمی فرهنگی دارالحديث، سازمان چاپ و نشر، قم
- ۱۶) نقره کار، عبدالحمید، (۱۳۹۴)، برداشتی از حکمت اسلامی در هنر و معماری، انتشارات فکر نو، تهران.
- ۱۷) نقره کار، عبدالحمید و دیگران، (۱۳۹۷)، تبیین معماری و شهرسازی مبتنی بر هویت اسلامی - ایرانی، جهاد دانشگاهی، قزوین.
- ۱۸) قرائتی، محسن (۱۳۸۷) تفسیر نور، انتشارات موسسه درس‌هایی از قرآن.
- ۱۹) نوری، حسین بن محمد تقی، (۱۴۰۸)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، چاپ اول، قم.
- ۲۰) الهی زاده، محمد حسن، سیروسی، راضیه، (۱۳۹۳)، ((الکوسازی مسکن بر پایه سبک زندگی اسلامی))، فصلنامه سبک زندگی دینی، شماره ۱،
- ۲۱) ورنویت، استیون، (۱۳۸۵)، ((ظهور و رشد باستان شناسی اسلامی))، ترجمه پروین مقدم، مجله گلستان هنر، شماره ۴،

- 1) Grabar O, , 2003 ‘What Should One Know about Islamic Art?’, RES, 43, 5-11.
- 2) Grabar, O, 1983, Reflections on the Study of Islamic Art, Muqarnas, 1, 1-14;
- 3) Grube E, 1978 ,What is Islamic Architecture?, in George Michell, ed., Architecture of the Islamic World: Its History and Social Meaning, London: Thames and Hudson, , 10-14.
- 4) Hillenbrand, R. 2003, Studying Islamic Architecture: Challenges and perspectives. Architectural History, 46, 1-18.
- 5) Peterson, 1996, Dictionary of Islamic Architecture, published by Routledge, London.
- 6) Rabbat, N. 2012. Islamic Architecture as a Field of Historical Enquiry, Journal of Art Historiography, (6), 17.
- 7) Yassin, A, & Utaberta, N. 2012, Architecture in the Islamic Civilization: Muslim building or Islamic Architecture, Journal of Islamic Architecture, 2(2).